

# هوشمندی در مبارزه و نواندیشی در تفسیر



شهرستان

## با توجه به دغدغه و علایق تخصصی شما به مباحث تفسیری و علوم قرآنی، در آن فضای علمی کرسی‌های تفسیر قرآن توسط چه شخصیت‌هایی دایر می‌شد و هریک چه رویکردی داشتند؟

در آن دوران، برخلاف برخی تصورات، حوزه مشهد میزبان جلسات تفسیری بسیار آموزنده و متنوعی بود که هرکدام رنگ و بوی خاص خود را داشتند.

نخستین حلقه، متعلق به مرحوم آیت‌الله حاج شیخ جواد تهرانی بود. ایشان هر روز صبح‌ها سر ساعت ۷ در مدرسه میرزا جعفر کرسی تفسیر داشتند. رویکرد ایشان ارائه تفسیری عمیقاً سازنده، اخلاقی و تربیتی بود. آقای دکتر محمد رضا نوراللهیان با دقت و اهتمام تمام، مباحث این جلسات را تقریر می‌کردند که خوشبختانه تاکنون دو جلد از آن با عنوان «مصباح الهدی» به زیور طبع آراسته شده است و ای کاش امکانی فراهم شود تا بقیه مجلدات آن نیز منتشر شود. دقیقاً در همان مکان (مدرسه میرزا جعفر) و در همان ساعت (۷ صبح)، اما در روزهای تعطیل حوزه، یعنی پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها، کرسی تفسیر نویین و جریان ساز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شد که فضایی کاملاً متفاوت و جذاب داشت.

همچنین حضرت آیت‌الله حاج سیدعزالدین زنجانی در روزهای شنبه جلسات تفسیری بسیاری داشت که به صورت دوره‌ای در خانه‌ها برگزار می‌شد. این محفل بسیار آموزنده بود و به‌طور ویژه، از حیث تأملات و ژانرشناسانه و مباحث «فقه‌الغله» (ریشه‌شناسی لغات قرآن)، وزن علمی فوق‌العاده ارجمند و سودمندی داشت.

من با اشتیاق در همه این دروس تفسیری شرکت می‌کردم. این تنوع رویکردها، در پیوند وثیق من با قرآن بسیار مؤثر افتاد. در واقع، آن علاقه و انسی که به تدریج در وجود من ریشه دواند و اندک‌اندک به شایستگی و شیدایی مطلق به معارف قرآن تبدیل شد، همه‌اش مدیون این محافل نورانی در حوزه مشهد است. در این میان باید تأکید کنم که تأثیر جلسات تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای برای من جایگاهی بی‌بدیل و تعیین‌کننده داشت.

## نقطه پیوند و آشنایی شما با منظومه فکری و درس‌های تفسیری رهبر شهید چگونه شکل گرفت؟

باعث این آشنایی مبارک، استاد بزرگوار مرحوم محمد تقی شریعتی بود. ایشان توجه و ارادت بسیار ویژه‌ای به رهبر معظم انقلاب داشت و در آن روزگاران، همواره با احترام خاصی از ایشان با عناوین «آقا سید علی آقا» یا «آقای خامنه‌ای» یاد می‌کرد.

خاطر من هست روزی در محضر استاد شریعتی بودم. آن عالم بزرگوار با دلسوزی از من درباره چگونگی کار و بارم جویا شد و پرسید: «به جز دروس رسمی حوزوی و حضور در کلاس‌های متداول، چه فعالیت فکری دیگری داری؟» من در آن زمان، شب‌های جمعه به صورت منظم در محافل و جلساتی شرکت می‌کردم، بی‌آنکه شناخت دقیقی از جهت‌گیری پنهان آن جلسات داشته باشم. وقتی به استاد عرض کردم که در چنین جلساتی حضور می‌یابم، با صراحت فرمود: «مصلحت نیست که وقت خود را در آن جلسات صرف کنید.» سپس بلافاصله پرسید: «آیا شما به جلسات آقا سید علی آقا می‌روید؟» پاسخ دادم: «خیر، بنده ایشان را نمی‌شناسم.» استاد شریعتی با شگفتی فراوان پرسید: «آقای خامنه‌ای را نمی‌شناسید؟ عجیب است! چرا نمی‌شناسید؟» و سپس با دست اشاره کرد و فرمود: «ایشان همین جا هستند، در مسجد امام حسن مجتبی (ع).»

این راهنمایی، مسیر زندگی علمی مرا تغییر داد. از آن روز به بعد، نه تنها در نماز جماعت، بلکه در همه درس‌ها و جلسات تخصصی آن بزرگوار شرکت کردم یا به تعبیر دقیق‌تر، «ملازم» رکاب ایشان شدم. علاوه بر جلسات مسجد، ایشان روزهای دوشنبه از ساعت ۱۰ به بعد در منزل خود نشست‌های علمی (یا به تعبیر حوزویان، «گده») داشتند که معمولاً تا نزدیک ساعت ۱۲ طول می‌کشید. این نشست‌ها در فصل تابستان، به یمن حضور چهره‌های برجسته فکری، دانشگاهی



دکتر محمدعلی مهدوی‌راد، از شاگردان و حاضران مستمر جلسات تفسیری رهبر معظم انقلاب در مسجد امام حسن مجتبی (ع)، اکنون خود از اندیشمندان برجسته علوم قرآن و تفسیر و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است. او که در دوران جوانی فضای علمی و سیاسی مشهد را از نزدیک لمس کرده است، در این گفت‌وگو به تشریح تاریخچه، ویژگی‌های روش شناختی و تأثیرات اجتماعی دروس تفسیری رهبر معظم انقلاب در دوران پیش از انقلاب می‌پردازد.

## جناب عالی از پرورش‌یافتگان مکتب علمی حوزه خراسان هستید؛ حوزه‌ای که در آن سال‌ها با حضور استوانه‌های بزرگ علمی، پویایی خاصی را تجربه می‌کرد. لطفاً برای ورود به بحث، تصویری جامع از مختصات علمی، وضعیت دروس و چهره‌های شاخص حوزه مشهد در آن مقطع زمانی ترسیم فرمایید.

حوزه علمیه مشهد در آن روزگاران از رونق، نشاط و گرمی بسیار ویژه‌ای برخوردار بود و شبکه‌ای از عالمان طرازاول در آن حضور داشتند. درخشان‌ترین چهره این منظومه، وجود مبارک آیت‌الله العظمی میلانی بود. حضور ایشان در جایگاه فقهی سترگ و مرجعی بلندقدر، همچون مشعلی بر ستیغ حوزه خراسان می‌درخشید و وزن و اعتبار بی‌بدیلی به این پایگاه علمی می‌بخشید.

از سوی دیگر، وضعیت تدریس «ادبیات عرب» در حوزه خراسان آن زمان، در اوج شکوفایی و صلابت قرار داشت. درس‌های بسیار شورانگیز، نبوشیدنی و سودمند استاد هاشمی خراسانی که از شاگردان طرازاول «ادیب خراسانی» (ادیب دوم، مرحوم شیخ محمد تقی ادیب راموز بهاور هروی رحمة... علیه) به شمار می‌رفتند، زبانزد بود. تدریس ایشان طیف وسیعی از متون پایه‌ای و عالی، از «صمدیه» تا کتاب سنگین «مطول»، را در برمی‌گرفت و بنیبه علمی طلاب را به شدت تقویت می‌کرد. البته در کنار ایشان، دیگر شاگردان ادیب و حتی شاگردان شاگردان وی نیز کرسی‌های تدریس پررونقی داشتند. در روزگار تحصیل بنده، خود ادیب نیشابوری (ادیب دوم) به دلیل زمین‌خوردگی و آسیب دیدگی شدید از ناحیه هر دو پا، متأسفانه خانه‌نشین شده بود. با این حال، در همان فضای محدود منزل نیز افاضه می‌فرمود. من این بختیاری و سعادت بزرگ را داشتم که به مدت پانزده روز به محضر پرفیض ایشان شرفیاب شوم و بخشی از مباحث کتاب «سیوطی»، را مستقیماً نزد ایشان تلمذ کنم. فضای فقهی و اصولی حوزه نیز با حضور بزرگانی چون حضرت آیت‌الله... فلسفی که درس‌های بسیار سنگین و عمیقی ارائه می‌دادند و همچنین حضور فعال شاگردان مکتب آیت‌الله... میلانی، بسیار پر بار بود. با وجود این، از لحاظ ساختار سنتی و مدیریتی، اداره مدارس علمیه عملاً در اختیار آیت‌الله... حاج شیخ احمد کفایی خراسانی بود. ایشان با اشراف کامل و تعیین دقیق متصدیان، نظم و نسق مدارس را حفظ می‌کردند. اگر بخواهم به دیگر چهره‌های منور و عالمان بزرگی که در آن برهه به حوزه مشهد غنا بخشیده بودند، اشاره کنم، باید از بزرگانی چون آیات عظام مروارید، حاج شیخ ابوالحسن شیرازی، حاج شیخ جواد تهرانی، حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی، و علم الهدی نام ببرم که البته یادکرد تفصیلی کمالات همه آنان در این مجال‌گزار امکان‌پذیر نیست.